

مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران

بازکاوی مشکلات تعامل در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور

مهديه باقري،* غلامرضا صديق اورعي،** علي يوسفی***

چکیده

تعامل اجتماعی پایه‌ای‌ترین عنصر سازنده زندگی اجتماعی است و ویژگی آن، تعیین‌کننده ویژگی جامعه است. مشکلات تعاملی، عامل بنیادین انواع عدم تعادل‌های اجتماعی است. انگیزه نوشتار حاضر، انعکاس وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران -آن‌گونه که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند- است. بدین منظور، پس از جست‌وجوی گسترده، کتاب «مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور» مشتمل بر ۴۴ مقاله به قلم محققان و صاحب‌نظران دانشگاهی، به دلیل تازگی داده‌ها و جامعیت تحقیق، به عنوان «متن» اصلی انتخاب شد و سپس با روش تحلیل محتوای جهت‌دار، مضامین مربوط به وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران استخراج و انتزاع گردید. یافته‌های نوشتار حاضر در سه بخش تنظیم شده است: یافته‌های بخش اول تحقیق به وجود و افزایش «فردگرایی خودخواهانه»، «تعاملات غیراخلاقی»، «تعاملات مجرمانه»، «افزایش فساد اداری» و در نتیجه غلبه تعاملات سرد در ایران اشاره دارد. بخش دوم عواملی مانند «کاهش تعاملات خانوادگی»، «تعاملات سرد در خانواده (خشونت)»، «مضایقه از تعامل خانوادگی (تک‌زیستی)»، «قطع روابط همسران در خانواده (طلاق)» را برجسته می‌سازد. بخش سوم بر عواملی نظیر «مضایقه از تعاملات»، «ضعف تعاملات»، «کم‌دامنگی تعاملات»، «مقطعی بودن تعاملات»، «فروپاشی همکاری»، «ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد» و «ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی» دلالت دارد. در مجموع، می‌توان یافته‌ها را در «ضعف تعاملات و عواطف مثبت و افزایش تعاملات سرد در ایران» خلاصه کرد.

کلیدواژه‌ها: تعامل اجتماعی، تعامل سرد، تعامل گرم، عواطف مثبت، تعلق اجتماعی.

mbagheri1993@gmail.com

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

sedighourae@um.ac.ir

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

yousofi@um.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مسائل اجتماعی تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

ایران، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۵۳-۸۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

انسان‌ها برای رفع نیازهای متقابل خود به یکدیگر، به تعامل اجتماعی^۱ روی می‌آورند (اسکیدمور، ۱۳۸۵؛ ترنر، ۱۳۷۳؛ کلمن، ۱۳۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۹). تعامل یک عنصر اساسی برای تشکیل گروه و تداوم زندگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۸۶). در واقع گروه اجتماعی، مجموعه‌ای از اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند است (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶). افزون بر این، شخصیت، فرهنگ، ساختار اجتماعی و دیگر دستاوردهای انسان از آثار تعاملات اجتماعی مستمرد.

از میان انواع تعاملات اجتماعی، تعامل گرم به‌ویژه تعامل گرم نابرابر اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌طور که تعاملات مستمر، عامل شکل‌گیری هر جامعه است، دوام و قوام جامعه، درگرو تعامل گرم است. تعلق و همبستگی محصول تعاملات گرم است و شرط ایجاد گروه، سازمان، اجتماع و جامعه است. (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸)

از جمله مشکلات جامعه ایران، مضایقه تعاملات اجتماعی گرم و گرم نابرابر است. درواقع یکی از مشکلات کنونی مردم، فقدان یا کمبود «دیگران» قابل تعامل برای پاسخ به بسیاری از نیازهایشان است (صدیق اورعی و فرزانه، ۱۳۹۵).

علاوه بر فقدان تعامل، کسانی که دارای رابطه اجتماعی هستند، از ضعف تعاملات گرم رنج می‌برند. همچنین وجود و افزایش تعاملات سرد و وجود تعاملات خنثی-آنگاه که تعامل گرم موردانتظار است- مسئله دیگری است که جامعه ما را تهدید می‌کند. جامعه مطلوب، در متون دینی، نیز مملو از تعاملات گرم معرفی شده است. نتیجه گسترش تعاملات سرد، بی‌کسی، واگرایی اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه و از بین رفتن امکان شکل‌گیری توافقات فراگیر و ساخته‌نشدن ذهنیت و عواطف مشترک است. چنین جامعه‌ای قادر به بازتولید ساختارهای اجتماعی لازم نخواهد بود (همان).

وسعت انواع مسائل تعاملی در خانواده، شبکه‌های خویشاوندی، دوستی، همسایگی و در شبکه‌های دیگر تا اندازه‌ای است که پذیرش مسئله بودن وضعیت موجود دشوار نیست: برای مثال کاهش ازدواج و تأخیر سن ازدواج و افزایش طلاق (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰؛ توسلی و غبائی ندوشن، ۱۳۹۰) و بالا بودن ناسازگاری خانوادگی، شواهدی در تأیید وجود مشکلات تعاملی در خانواده است. شواهد تجربی از جمله داده‌های مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور (۱۳۹۳) و پیمایش «سنجش سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور» (نگین و دیگران، ۱۳۹۱) مؤید کاهش تعاملات خویشاوندی است. نتایج اغلب تحقیقات در حوزه همسایگی حاکی از

1. Social Interaction

پایین بودن شدید میانگین نمره حجم روابط همسایگی است (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸؛ مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۹۳). در عرصه اقتصادی، تمایل به شراکت، بسیار کم است. مثلاً طبق آمار مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، حدود نیمی از کارکنان بخش خصوصی، خویش فرمایان‌اند. علاوه بر این، میزان فعالیت‌های بخش تعاونی در اقتصاد ایران، مؤید دیگری بر همین مسئله است (برای مثال بنگرید به: ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹).

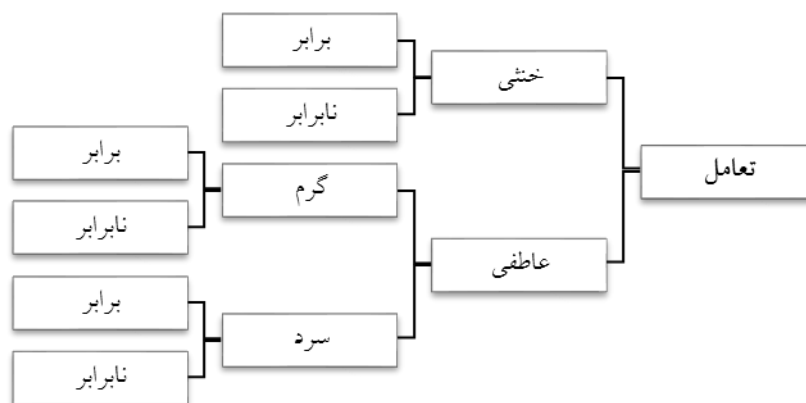
جلوه‌های متعدد دیگری نیز برای تعامل‌گریزی، فقدان تعاملات گرم و رواج تعاملات سرد در جامعه ایران قابل‌ارائه است از جمله سرقت، کلاه‌برداری، اختلاس، رشوه، نزاع خیابانی، خشونت، ناامنی و... (برای مثال رجوع شود به: دانایی سیج و دیگران، ۱۳۹۵؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۸؛ بخشی، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت تعاملات اجتماعی و آثار گسترده آن در جامعه، مشکلات تعاملی از دیگر مسائل اجتماعی که نظم جامعه را تهدید می‌کند بسیار بنیادی‌تر است. از این‌رو فراهم‌آوردن دانش دقیق و جامع درباره مشکلات تعاملی در ایران کنونی ضرورت می‌یابد؛ و در نتیجه این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال، گام ابتدایی مراجعه به پژوهش‌های انجام‌گرفته در موضوعات اجتماعی است تا داده‌های مرتبط با این موضوع - که در لابه‌لای تحقیقات دیگران گزارش شده‌است - گردآوری و دسته‌بندی شود و خلأهای تحقیقاتی موجود در این زمینه نیز شناخته شود. بدین منظور داده‌های کتاب «گزارش وضعیت اجتماعی کشور» بازکاوی شده است.

۲. چارچوب مفهومی

تعامل، کنش اجتماعی دوسویه است (مقایسه شود با کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۶۹؛ آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۲۷؛ روشه، ۱۳۹۱: ۱۳۳) و تعامل‌های بین اشخاص، در بستر رابطه اجتماعی بین آن دو صورت می‌گیرد. مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان کنشگران اجتماعی - اعم از اشخاص و گروه‌ها - اصطلاحاً شبکه اجتماعی نامیده می‌شود. میزان و نحوه تعاملات اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مختلف، ممکن است متفاوت باشد. آنچه بازگوکننده میزان و نحوه تعاملات اجتماعی است، سرمایه اجتماعی نام دارد. به قول بوردیو، منظور از سرمایه اجتماعی «تراکم منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

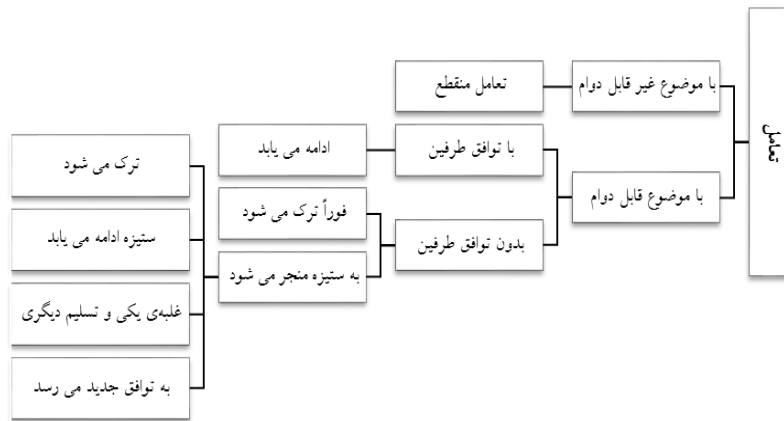
تعامل اجتماعی از جهت احساس عاطفی همراه آن، یا «خنثی» است یا «عاطفی». تعامل عاطفی ممکن است «سرد» یا «گرم» باشد. همچنین تعامل را می‌توان «مبادله» دید که می‌تواند «برابر» یا «نا برابر» باشد. از ترکیب این دو بُعد، شش حالت محض قابل‌تصور است: (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷).



شکل ۱. انواع تعامل از نظر هیجان و توازن آن

تعاملات اجتماعی آثاری دارد. از جمله آثار تعامل گرم، همبستگی اجتماعی است و گروه اجتماعی به معنای اشخاص دارای تعاملات مستمر همراه با همبستگی است. گروه و سازمان اجتماعی، اجتماع و جامعه نیازمند تعاملات مستمر و همبستگی است. اعضای گروه اجتماعی برای سازگاری و ایجاد تعادل، با یکدیگر همکاری می‌کنند. منظور از همکاری «یکی بودن مساعی دو یا چند شخص برای حصول هدفی معین» است. (آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۶۱).

اگر تعاملات اجتماعی و شکل و اندازه آن، مورد توافق طرفین تعامل باشد، تعامل ادامه می‌یابد و اگر نباشد، موجب ترک یا نزاع می‌شود. پس رضایت از تعامل، نتیجه توافق بر تعامل است و ترک تعامل یا نزاع، نتیجه نارضایتی و عدم توافق. اگر طرفین بر وجود تعامل بین خود و نوع تعامل و انتظارات متقابل و چندوچون و زمان و مکان عمل توافق داشته باشند، آن تعامل مورد توافق و قابل دوام است. قاعده‌ای که همه نکات یادشده را بیان می‌کند و مورد توافق طرفین است، هنجار نامیده می‌شود؛ هنجار شیوه و قاعده عمل است. گاهی در تعامل، توافق هست و طبق توافق عمل می‌شود. عمل طبق قاعده و توافق، اگر در طول زمان استمرار یابد، برای طرف تعامل پیش‌بینی پذیر می‌شود، همراه با اطمینان‌آوری، یعنی دیگران از شخص تعهد دیده‌اند و او را شخصی متعهد می‌یابند. پس اشخاص بر اساس تعهد مستمر یک شخص یا یک سازمان در گذشته تا حال، به تعهد او در آینده اطمینان می‌کنند. این اطمینان به تعهد شخص یا سازمان در آینده، اعتماد نام دارد. پس واضح شد که اعتماد دیگران به شخص، نتیجه تعهد او در گذشته است (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۷).



شکل ۲. پیامدهای تعامل و پیدایش هنجار

دو اثر بسیار مهم و کلان تعاملات انسانی، ساختار اجتماعی و فرهنگ است: معانی مشترک، لازمه ارتباط^۱ در گروه اجتماعی است و معانی مشترک بین افراد «فرهنگ» نام دارد. فرهنگ با توافق جمعی میان اعضای یک جامعه به وجود می آید. بنابراین فرهنگ و عناصر آن -باور، ارزش، نماد و هنجار- نیز اثر تعاملات مستمر اشخاص در یک جامعه است. اثر دیگر عمل و تعامل، ایجاد و تغییر ساختار اجتماعی است و ساختارهایی که هم اکنون مسلط بر کنش هاست، نتیجه کنش های قبلی است و بر عمل های بعدی اشخاص تأثیر می گذارد.

۳. روش شناسی

در دسته ای از تحقیقات علوم اجتماعی، تحلیل بر روی یک متن انجام می شود. روش به کاررفته در این تحقیقات، تحلیل متن (دوورژه، ۱۰۸:۱۳۶۲) نامیده می شود که دارای انواع گوناگونی است. روش تحقیق حاضر «تحلیل محتوای کیفی جهت دار^۲» است.

روش تحلیل محتوای کیفی، به منظور تحلیل داده های متنی استفاده می شود و به فراتر از واژگان و محتوای ظاهری متون می رود. در واقع تحلیل محتوای کیفی را می توان نوعی روش تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده ها، از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کدگذاری و مضمون سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (شی به و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸). سه نوع تحلیل محتوای کیفی وجود دارد: الف) تحلیل محتوای عرفی و قراردادی^۳، ب) تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی^۴، و ج) تحلیل محتوای جهت دار.

1. Communication
2. Directed Content Analysis
3. Conventional Content Analysis
4. Summative Content Analysis

مورد اخیر، در این تحقیق به کار رفته است:

روش جهت‌دار متکی بر نظریه است و در حالی که نظریه یا تحقیقات پیشین در باب یک پدیده خاص نیاز به توصیف و تحلیل بیشتری داشته باشد، می‌توان از روش تحلیل محتوای جهت‌دار بهره برد. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار، معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). استفاده از نظریه‌های موجود یا تحقیقات پیشین، محقق را درباره شناسایی و ارتباط متغیرهای مورد نظر و همچنین در مراحل آغازین تحلیل برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه و ارتباط بین آنها کمک می‌کند. همچنین در مراحل بعدی تحلیل، تعریف عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود (همان). در این روش، مراحل کیفی تحلیل، تخصیص کنترل‌شده و روش‌شناسانه مقوله‌ها به صورت مرحله‌به‌مرحله از یک عبارت متن را در برمی‌گیرد (مایرینگ، ۲۰۰۰).

در رابطه با نحوه کاربست روش و مراحل انجام کار بایستی گفت که انگیزه نوشتار حاضر، انعکاس وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران - آن‌گونه که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند - است. بدین منظور، کتاب «مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور» مورد بررسی قرار گرفت. دلیل انتخاب کتاب یادشده، تازگی داده‌ها و جامعیت تحقیق بوده است. این کتاب مشتمل بر ۴۴ مقاله از وضعیت جامعه ایران به قلم صاحب‌نظران دانشگاهی است که از پژوهش‌های معتبر و نسبتاً جامع درباره جامعه ایران و مسائل اجتماعی آن است. این اثر در سال ۱۳۹۳ توسط شورای اجتماعی کشور - به‌عنوان سازمان متولی مسائل اجتماعی - با هدف شناخت و تحلیل موضوعات و مسائل اصلی اجتماعی کشور به چاپ رسیده است.

این گزارش ۲۱۰۰ صفحه‌ای درصدد ارائه تصویر نسبتاً جامعی از جامعه ایران امروز در حوزه اجتماعی است. توجه این گزارش به وجوه سیاستی است تا بتوان از نتایج، در سیاست‌گذاری اجتماعی استفاده کرد. از دیگر مزایای این اثر، توجه آن به بدنه اجتماعی است، و دخالت دادن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های مختلف مزیت دیگر این اثر است (غفاری و جوادی یگانه، ۱۳۹۳).

در آغاز، کتاب «گزارش وضعیت اجتماعی کشور؛ کتاب چکیده‌ها» مطالعه شد. این کتاب حاوی ۵۷ چکیده تفصیلی (در مجموع حدود ۴۲۰ صفحه) است. بعد از مطالعه تمام چکیده‌ها و گزینش آنان، با مراجعه به کتاب سه‌جلدی «گزارش وضعیت اجتماعی کشور» - شامل ۴۴ مقاله کامل - در نهایت پانزده مقاله به دلیل ربط با موضوع گزینش شد. مقالات منتخب (در مجموع حدود ۸۵۰ صفحه) کامل و دقیق و چندباره مطالعه شدند. در نهایت سه مقاله بعد از مطالعه متن اصلی از دایره انتخاب‌ها حذف شد. علاوه بر آن، از مقاله «ضعف تعاملات اجتماعی گرم» در یافته‌های نوشتار حاضر - علی‌رغم داشتن بیشترین شواهد در تأیید مسئله‌بودن مشکلات تعاملی - استفاده نشده است. انگیزه این کار، استناد به تحقیقات دیگران و آشکار ساختن باور ذهنی سایر دانشمندان در مسئله‌بودن این مشکل بوده است.

مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران

جملات مرتبط هر مقاله، به عنوان واحدهای معنا (واحدهای ثبت^۱) استخراج و یادداشت‌برداری شدند تا کدگذاری و مفهوم‌سازی آغاز گردد. در حین کار، یادداشت‌های نظری و گزاره‌های تمامی مقالات استخراج شد و به هر جمله، مفهومی (۴۲۰ مفهوم) اختصاص داده شد. در ادامه با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA و قراردادن کدها و مفاهیم مشابه در یک مقوله^۲ و درنهایت با جمع‌بندی مفاهیم، ۳۱ مقوله فرعی استخراج شد. بعد از این با یک رویکرد انتزاعی تر، مقولات فرعی، به هفده مقوله تقلیل داده شد و در گام آخر دو مقوله یا تم اصلی به دست آمد.

عنوان مقاله (نویسندگان)	کدمقاله مورد استناد
سیمای فردگرایی خودخواهانه (علی قنبری و همکاران)	[۱]
وضعیت ارتکاب و دگرگونی در الگوی جرم (علی یوسفی، حسین اکبری)	[۲]
منازعات فردی و جمعی (عباس عبدی)	[۳]
فساد اداری (محمود شهبابی)	[۴]
تنبلی اجتماعی (سمیه توحیدلو)	[۵]
تحولات خانواده، طلاق و ازدواج (سید مهدی اعتمادی‌فر)	[۶]
تمایل به زندگی مجردی (فاطمه جواهری، مینا هلالی ستوده)	[۷]
همکاری و مشارکت (مرتضی فرهادی، یاسر باقری)	[۸]
اعتماد اجتماعی و امید به آینده (غلامرضا غفاری)	[۹]
ضعف جامعه‌مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد (هادی خانیکی)	[۱۰]
ضعف جامعه‌پذیری با تأکید بر دوران کودکی (محمود شارع‌پور و همکاران)	[۱۱]

شکل ۳. مقالات تحلیل‌شده و کد مورد استناد آنها در متن

1. Summative Content Analysis
2. Category

ع. یافته‌ها

آگاهی از «وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران» مقالات یادشده، مرور و در چند مرحله کدگذاری شد. سرانجام، یافته‌ها به این نحو دسته‌بندی شده‌است:

- وضعیت تعاملات سرد در ایران؛
- وضعیت تعاملات در خانواده ایرانی؛
- وضعیت تعاملات و عواطف مثبت در ایران.

گفتنی است؛ ارجاع غیرمستقیم در متن حاضر، به پژوهش‌هایی که دسترسی مستقیم به آنها ممکن است، از آن جهت است که نشان دهیم نویسندگان مقالات کتاب وضعیت اجتماعی کشور، نتایج مرتبط با ادعای مقاله حاضر -مندرج در تحقیقات دیگر- را تأیید کرده‌اند.

وضعیت تعاملات سرد در جامعه ایران

در هفت مقاله (مقالات شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ و ۱۰)، گزارش‌هایی از وضعیت تعاملات سرد وجود داشته است. از مرور این مقالات ۹۵ کد اولیه به دست آمد که در یک دسته‌بندی در ۹ مفهوم قرار گرفته‌اند و در مفهوم‌سازی انتزاعی‌تر، در چارچوب چهار دسته کلی‌تر طبقه‌بندی شدند و در نهایت تحت یک مقوله نهایی قرار گرفته‌اند. این مقولات در ادامه ارائه شده‌است.

مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران

جدول ۱. وضعیت تعاملات سرد در جامعه ایران

مقوله نهایی	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفوم استخراج شده
تعاملات سرد	فردگرایی خودخواهانه	وجود فردگرایی خودخواهانه	غلبه رفتارهای فردگرایانه در جامعه، غلبه رفتارهای خودمحورانه در جامعه، رواج منفعت‌طلبی شخصی، تنها به فکر خود بودن، نفع‌طلبی در تعاملات، ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، ترجیح نفع فردی حتی در صورت ضرر به دیگران، استقرار فردگرایی، داشتن خصلت شدیداً فردگرایانه در حوزه (عمومی) اجتماعی، داشتن خصلت شدیداً فردگرایانه در حوزه حکومت، انتخاب شیوه‌های فردی برای حل مشکلات
		بالا بودن میزان فردگرایی خودخواهانه	بالا بودن میزان خودخواهی
		افزایش فردگرایی خودخواهانه	افزایش فردگرایی خودخواهانه، افزایش فردگرایی منفی، افزایش خودخواهی، افزایش میزان تکروری
		آثار فردگرایی خودخواهانه	ضعف همکاری، ضعف تعلق اجتماعی مردم به جامعه، ضعف روابط همسایگی، ضعف انجمن‌های مدنی غیردولتی، ضعف انجام فعالیت‌های داوطلبانه، عدم استمرار فعالیت‌های جمعی، ضعف کارهای تیمی، پایبند نبودن به فرهنگ شهروندی، فرسایش سرمایه اجتماعی، ضعف اعتماد اجتماعی، ضعف وجدان و تعهد کاری، افزایش بی‌انضباطی اجتماعی، قانون‌گریزی، رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی
		آثار اقتصادی	فسادهای اقتصادی ریز و درشت، افزایش رشوه، افزایش پرونده‌های دادگاه‌ها، افزایش چک‌های برگشتی، افزایش چشمگیر فرار مالیاتی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های جمعی
	تعاملات غیراخلاقی		دروغ‌گویی، فحاشی و تندخویی، دورویی و ریاکاری (نفاق)، حقه‌بازی و فریب‌زیاد بودن تظاهر، جاسوسی، سخن‌چینی، حسادت، دشمنی تا حد ناپودی دیگری
	تعاملات مجرمانه	میزان بالای نزاع	مراجعه ۶۰۰ هزار نفر در سال به پزشکی قانونی به دلیل نزاع، نزاع مجدد بعد از صدور حکم دادگاه، سابقه درگیری داشتن نزاع‌کنندگان، استفاده از رویکرد خصمانه برای حل نزاع، انتقام شخصی از ضارب بدون مراجعه به مراجع قانونی
		وجود موضوعات نزاع برانگیز	اختلافات مالی، اختلافات ملکی، مجادلات خانوادگی، اختلافات قومی، اختلافات قدیمی (کینه و عدم بخشش)، باج‌گیری، شوخی و بی‌احترامی‌های کلامی
		افزایش انواع جرایم در جامعه	حجم بالای جرایم طیف وسیعی از اعضای جامعه، افزایش ضرب و جرح و صدمه، افزایش جرایم مختلف علیه اشخاص و اطفال، وجود و افزایش جرایم جنسی، افزایش اجبار و اکراه، افزایش تهدید، افزایش قتل (حجم زیاد قتل عمد (۲۷۰۰ نفر))، افزایش مسموم کردن عمدی
	وجود و افزایش فساد اداری	افزایش فساد اداری	میزان بالای فساد اداری، افزایش فساد اداری
وجود انواع فساد اداری		رشوه، پارتی‌بازی، جایگزین‌شدن روابط به جای قانون، باندبازی، رانت‌خواری، اخذ پورسانت، تبانی در معاملات دولتی، اعمال نفوذ برخلاف حق	

مقوله عمده فردگرایی خودخواهانه

فردگرایی خودخواهانه، معطوف به خودمداری^۱، کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران یا ترجیح منافع فردی بر مصالح جمعی، سواری مجانی^۲ و اتکای افراطی به خود است (قنبری برزبان و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲۴). در واقع اصل تعامل از مطلوبیت برخوردار نیست و مطلوبیت تعامل برای شخص، نفعی است که برای او از یک تعامل حاصل می‌شود.

وجود، میزان بالا و افزایش میزان فردگرایی خودخواهانه

اغلب یافته‌های موجود در کتاب وضعیت اجتماعی کشور، حاکی از وجود تعاملات منفعت‌طلبانه در جامعه ایران است. علاوه بر این گزارش‌ها حاکی از زیاده‌بودن میزان فردگرایی خودخواهانه و البته افزایش آن است. برای نمونه قنبری برزبان و همکاران (۱۳۹۵) چنین گزارش کرده‌اند:

«نتایج سایر پژوهش‌ها و آمارها و شواهد ارائه شده در جراید و رسانه‌ها و همچنین تجربه زیسته نگارندگان در زندگی روزمره، حاکی از تغییر محسوس ارزش‌ها و ازجمله غلبه رفتارهای فردگرایانه و خودمحورانه در جامعه مخصوصاً در سال‌های پس از جنگ تحمیلی است. نتایج تحقیقات میرزایی (۱۳۸۴)، چلبی (۱۳۸۱)، جوادی‌یگانه (۱۳۸۳)، عظیمی هاشمی (۱۳۷۳)، محمدی‌شکیبا (۱۳۷۹) و چند پیمایش ملی در مجموع نشان می‌دهد فردگرایی منفی در حال افزایش است؛ به‌عنوان مثال، در خصوص تک‌روی و خودخواهی، پژوهش محسنی و پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان میزان آن را در جامعه قابل توجه نشان می‌دهد و این میزان نیز از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ بیشتر شده‌است. پژوهش میرزایی (۱۳۸۴) نیز نشان می‌دهد که در مجموع فردگرایی ایرانیان از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه است» (همان: ۳۲۵).

ادراک مردم از وجود فردگرایی خودخواهانه و غلبه آن بر تعاملاتشان به‌دور از نتایج تحقیقات نیست. چهار پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۷۴)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، بررسی هویت ملی ایرانیان (۱۳۸۶) و بررسی روابط بین‌نسلی (۱۳۸۸) نشان داده‌است:

«بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان... در طی سال‌های ۷۴ تا ۸۸ بر این باور بوده‌اند که میزان خودخواهی مردم بالاست یا با خودخواه بودن مردم موافق بودند» (قنبری برزبان و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۴۵).

1. Egoism
2. Free Rider

آثار فردگرایی خودخواهانه

آثار تعاملات به خصوص تعاملات گرم از جمله همبستگی و تعلق، تعهد و اعتماد در جامعه فردگرا بروز نمی‌یابد و تعاملات سرد در آن تسلط دارد. در مقابل-همانگونه که در جدول به تفصیل آمده است- آثار منفی متعددی همچون «ضعف همکاری»، «ضعف تعلق اجتماعی مردم به جامعه»، «افزایش رشوه» و «افزایش فرار مالیاتی» رواج دارد.

مقوله عمده تعاملات غیراخلاقی

«دروغ‌گویی»، «فحاشی و تندخویی»، «دورویی و ریاکاری»، «حقه‌بازی و فریب»، «زیادبودن تظاهر»، «جاسوسی»، «سخن‌چینی»، «حسادت»، «دشمنی تا حد نابودی دیگری» مفاهیم مستخرج ذیل این مقوله هستند.

تعاملات غیراخلاقی لزوماً مجازات رسمی ندارد (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۵). یک شاخص مهم برای تشخیص نرخ واقعی تعاملات سرد مبتنی بر اخلاقیات منفی، احساس اعضای یک جامعه است؛ زیرا احساس اشخاص نسبت به یک واقعیت، می‌تواند بر وجود آن دلالت داشته باشد.

در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی (غفاری، ۱۳۸۴) ۵۰/۲ درصد پاسخگویان، وجود فریب و تقلب و ۵۰/۹ درصد وجود تظاهر و دورویی را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند: «می‌توان ادعا کرد که بیشتر مردم بر این باورند که خودخواهی و مخصوصاً فریب و تقلب و تظاهر در حد زیاد و خیلی زیاد در جامعه ما به چشم می‌خورد» (قنبری برزبان و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳۷ و ۴۳۸).

میانگین تعاملات غیراخلاقی با دامنه ۱ تا ۵، در تحقیق ایسپا (۱۳۹۳) برای «دروغ‌گویی ۳/۵۳، برای دورویی و ریاکاری ۳/۴۳، برای خودخواهی ۳/۲۴، برای فحاشی و تندخویی ۳/۰۵ (توحیدلو، ۱۳۹۵: ۲۳۲) بوده‌است. این نتایج حاکی از غلبه تعاملات سرد در جامعه ایران است.

مقوله عمده تعاملات سرد مجرمانه

میزان بالای نزاع

نزاع از دیگر جلوه‌های تعامل سرد است. «مراجعه ۶۰۰ هزار نفر در سال به پزشکی قانونی به دلیل نزاع»، «نزاع مجدد بعد از صدور حکم دادگاه»، «سابقه درگیری داشتن نزاع‌کنندگان»، «استفاده از رویکرد خصمانه برای حل نزاع»، و «انتقام شخصی از ضارب بدون مراجعه به مراجع قانونی» مؤلفه‌های «میزان بالای نزاع» است.

صدیق سروستانی (۱۳۸۱) آمار نزاع‌ها را بحرانی دانسته است:

«آمار نزاع‌ها در کل کشور طی شش سال، رشدی برابر ۸۰ درصد داشته‌است و این موضوع می‌تواند بحرانی و قابل تأمل ارزیابی شود» (صدیق اورعی و طلوع برکاتی، ۱۳۹۵: ۹۲).

طبق تحقیق ظهور (۱۳۸۱) در جیرفت، فقط ۴۶ درصد از مراجعه‌کنندگان به اورژانس، به دادگستری و پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند و ۲۸ درصد گفته‌اند که شکایتی ندارند و ۲۶ درصد هم گفته‌اند خودشان رأساً انتقام خواهند گرفت و حاضر به شکایت نیستند (عبدی، ۱۳۹۵: ۲۳۶).

طبق تحقیقی (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۳۸) درباره نزاع‌های دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد، ۴۲ درصد از افرادی که در نزاع جمعی شرکت داشته‌اند، در گذشته نیز سابقه درگیری داشته‌اند. همچنین از پرونده‌هایی که درگیری قبلی داشته‌اند، ۴۱ درصد آنها در همان دفعات پیش، به مراجع قضایی و انتظامی مراجعه داشته‌اند و از این تعداد نیز فقط درباره یک‌سوم آنها حکم صادر شده که بعد از صدور حکم، دوباره نزاع رخ داده است. داشتن سابقه نزاع و همچنین نزاع مجدد، به معنای تداوم تعامل سرد بین طرفین تعامل است.

افزایش انواع جرم در جامعه

این مقوله از مؤلفه‌های «حجم بالای جرایم طیف وسیعی از اعضای جامعه»، «افزایش ضرب و جرح و صدمه»، «افزایش جرایم مختلف علیه اشخاص و اطفال»، «وجود و افزایش جرایم جنسی»، «افزایش اجبار و اکراه»، «افزایش تهدید»، «افزایش قتل (حجم زیاد قتل عمد برابر با ۲۷۰۰ نفر)»، «افزایش مسموم کردن عمدی» انتزاع شده است.

پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰) نشان می‌دهد جرایم علیه اشخاص و اطفال، ضرب و جرح و صدمه، تهدید، اجبار و اکراه، تظاهر به چاقوکشی، مرگ‌های اتفاقی، قتل و مسموم کردن عمدی افزایش یافته است (یوسفی و اکبری، ۱۳۹۵: ۳۶۶).

همچنین قتل عمد مصداق بارز تعامل سرد است و منجر به نابودی یکی از طرفین می‌شود. طبق گزارش عبدی:

«حدود نیمی از قتل‌ها بدون تصمیم قبلی و ناشی از نزاع است. بخش مهمی از این قتل‌ها منجر به قصاص و نیز زندان‌های طولی‌المدت می‌شود. در حال حاضر که تعداد قتل‌های عمد، سالانه نزدیک به ۲۷۰۰ نفر است، می‌توان تصور کرد که حدود ۱۳۵۰ نفر آنان به دلیل نزاع کشته شده‌اند و اگر یک‌سوم قاتلین آنها هم قصاص شده باشند، می‌توان گفت سالانه حدود ۱۸۰۰ نفر به دلیل نزاع و قصاص ناشی از آن کشته می‌شوند» (عبدی، ۱۳۹۵: ۲۴۲).

مقوله عمده فساد اداری

یکی از مصادیق پرتکرار تعاملات سرد در ایران، فساد اداری است. منظور از فساد اداری، استفاده غیرقانونی و نامشروع از موقعیت و اختیارات اداری به منظور نفع و سود شخصی است

(بانک جهانی، ۲۰۱۸). فساد اداری، انواع مختلفی دارد: رشوه، کلاهبرداری، پارتی‌بازی و... بنابراین هریک از انواع فساد اداری، نوعی زیان‌رساندن مستقیم و غیرمستقیم به دیگران است.

میزان بالای فساد اداری و افزایش آن

در برآورد سال ۲۰۱۲، رتبه ایران در سلامت اداری ۱۳۳ بود که در سال ۲۰۱۳ به ۱۴۴ تنزل یافت که حاکی از افزایش میزان آن است (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۷). افزون بر این، احساس مردم نیز علامت مهمی در تشخیص میزان واقعی تعاملات سرد در جامعه ایران است.

رفیع‌پور در سرطان اجتماعی فساد (۱۳۸۸) نشان می‌دهد «۷۵ درصد پاسخگویان تصور می‌کنند فساد مالی در همه سطوح حاکمیت وجود دارد و تنها ۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند که در کشور فساد اداری وجود ندارد» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۹۲). در پژوهش جواد‌یگانه و همکاران (۱۳۸۸)، ۸۶ درصد از پاسخگویان به گویه «به نظر من، در جامعه ما، روابط جای قانون را گرفته‌است و برای اینکه کسی پیشرفت کند، لازم است پارتی داشته باشد» نمره مثبت داده‌اند (توحیدلو، ۱۳۹۵: ۲۴۱).

همچنین شهابی نوشته‌است:

«شواهد مؤید وجود فساد در ایران به‌ویژه در ده سال گذشته فراوان‌اند؛ از جمله پرونده شهرام جزایری، اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی، پرونده فروش نفت از سوی بخش خصوصی و واریز نکردن آن به خزانه دولتی، قراردادن نام برخی از سرشناس‌ترین چهره‌های سیاسی در میان فهرست بدهکاران نظام بانکی و...» (شهابی، ۱۳۹۵: ۴۹۶).

وجود انواع فساد اداری

در این مقوله تأکید بر تنوع فساد اداری در ایران است. طبق یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۹۲) مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

«رشوه، اخذ پورسانت، اختلاس، تحصیل مال از طریق نامشروع، اعمال نفوذ برخلاف حق، تبانی در معاملات دولتی، خودداری از اعلام جرایم مالی به مراجع ذی‌صلاح قضایی، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، تعدی به دولت و تخلف از اجرای قانون از مهم‌ترین انواع مفاسد در پروژه‌های عمرانی در ایران است» (شهابی، ۱۳۹۵: ۵۱۰).

در بررسی که در پژوهش ملی ایسپا (۱۳۹۱) درباره فساد رایج در جامعه انجام گرفته، بیشترین جرم «رشوه‌گیری، اختلاس، پارتی‌بازی و باندبازی بوده که میانگین نمره ۵/۷ از ۶ را از آن خودکرده است» (توحیدلو، ۱۳۹۵: ۲۴۲).

مقوله نهایی تعاملات سرد در جامعه ایران

در مرحله یافتن تم یا مقوله نهایی، محقق سعی می‌کند نظم موجود بین مقولات را کشف کند و به درک مقوله نهایی تحقیق که سایر مقولات حول محور آن نظمی تئوریک می‌یابند، نائل شود.

در این بخش «وضعیت تعاملات سرد در جامعه ایران» موردسؤال است. از مجموع یافته‌ها که سعی شد در مرحله کدگذاری و یافتن مقولات، دسته‌بندی و منظم شود، در سطحی انتزاعی‌تر به مقوله نهایی «تعاملات سرد» دست یافتیم. پژوهش‌هایی که در مقالات کتاب وضعیت اجتماعی کشور در موضوع بخش حاضر مورد استناد قرار گرفته‌اند، در مجموع ۳۱ مورد هستند که حاکی از توجه گسترده محققان به مصادیق تعاملات سرد است. «فردگرایی خودخواهانه»، «تعاملات غیراخلاقی»، «تعاملات مجرمانه»، و «فساد اداری» مقولات عمده‌ای هستند که با دقت در واحدهای معنا و کدگذاری و مقوله‌بندی استخراج شده‌اند.

وضعیت تعاملات در خانواده ایرانی

در اینجا داده‌های مستخرج، در خصوص وضعیت تعاملات اجتماعی در خانواده، ارائه و تحلیل می‌شود. مقالات شماره ۲، ۳، ۶، ۷ و ۱۱، وضعیت تعاملات در خانواده را گزارش کرده‌اند. کدهای اولیه به‌دست‌آمده از مرور این مقالات ۹۹ مورد هستند که در یک دسته‌بندی در پانزده مفهوم قرار گرفته‌اند و در مفهوم‌سازی انتزاعی‌تر، در چهارچوب پنج دسته کلی‌تر طبقه‌بندی شده‌اند و در نهایت تحت یک مقوله نهایی قرار گرفته‌اند.

مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران

جدول ۲. انواع مشکلات تعاملی در حوزه خانواده در ایران

مقوله نهایی	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم استخراج شده	
مشکلات تعاملی در خانواده	کاهش تعاملات خانوادگی	کاهش تعاملات همسران	افزایش مضيقه روابط زناشویی، بی ثباتی (تزلزل در تعاملات) ازدواج‌ها، چندپاره شدن خانواده‌های ایرانی به دلیل تحصیل یا اشتغال	
		کاهش تعاملات والدین با فرزند	کاهش فرصت والدین برای پرداختن به کودکانشان، ناچار بودن مادر برای سپردن کودک به مهد کودک، سپردن کودک به پرستاران خانگی، مشغول کردن کودک به بازی‌های رایانه‌ای، تماشای کارتون‌ها	
	تعاملات سرد در خانواده (خشونت)	وجود و شیوع همسرآزاری	شیوع همسرآزاری، وجود روابط خشونت‌آمیز در خانواده همسرآزار	تجربه خشونت ممانعت از رشد اجتماعی و فکری و آموزشی ۲۷/۷ درصد از زنان، محدودیت در ارتباط‌های فامیلی، دوستانه و اجتماعی همسر، ممانعت از کارایی و اشتغال، ایجاد محدودیت در مشارکت همسر در انجمن‌های اجتماعی
			خشونت ممانعت از رشد اجتماعی و فکری و آموزشی	تجربه خشونت‌های روانی و کلامی ۵۲/۷ درصد زنان از اول زندگی، داد و فریاد مرد در خانه، بهانه‌گیری‌های پی‌درپی مرد به زن، دشنام‌دادن به زن در خانه
			خشونت روانی و کلامی	شیوع آزار جسمی زنان، تجربه خشونت فیزیکی ۳۷/۸ درصد زنان از اول زندگی مشترک، سیلی‌زدن به همسر، مشت‌ولگد زدن به همسر، سیلی‌زدن و کتک با مشت و لگد به زنان
		وجود و شیوع کودک‌آزاری	وجود و شیوع کودک‌آزاری (۲۰-۳۴ درصد)، خشونت روانی علیه کودکان، خشونت جسمی علیه کودکان، آزار رساندن اعضای خانواده به کودکان	
	تک‌زیستی	تک‌زیستی متأهلین	خشونت جوانان در خانواده (عوامل)	خشونت در خانواده، ازهم‌گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، ولنگاری پدر مجرمان، داشتن دوستان ناباب، یادگیری جرایم از طریق رسانه‌ها
			افزایش نرخ تک‌زیستی	افزایش ضریب تک‌زیستی، افزایش نرخ رشد تک‌زیستی، رشد تنها زندگی کردن افراد، افزایش تعداد خانواده‌های تک‌نفره، کاهش نرخ ازدواج
			تمایل به تک‌زیستی	کم‌رغبتی به تشکیل خانواده، علاقه‌مند شدن تک‌زیستی‌ها به این شیوه زندگی
			تبدیل تک‌زیستی به فرهنگ	تبدیل تک‌زیستی به خواست مشترک مردم با خصوصیات متفاوت
			تک‌زیستی متأهلین	افزایش تک‌زیستی افراد بر اثر فوت همسر، طلاق و تک‌زیستی افراد دارای همسر، بیشتر بودن رشد تک‌زیستی متأهلان از مجردین، بیشتر بودن تک‌زیستی زنان (یکبار تأهل) از مردان در سال ۹۰، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن زنان تک‌زیست
			افزایش تک‌زیستی مجردین	افزایش زندگی مجردی دختران، افزایش جمعیت هرگز ازدواج‌نکرده در سال‌های اخیر، افزایش تجرد قطعی در بین زنان با بالا رفتن سن ازدواج

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱

مشاهده ناکام ماندن زندگی‌های مشترک، افزایش آمار طلاق	از عوامل تک‌زیستی دختران مجرد	تک‌زیستی مجردین	مضایقه از تعامل خانوادگی (تک‌زیستی)	درگیر شدن در مشکلات خانواده، ناهماهنگی با اعضای خانواده، سهم نبودن در تصمیم‌گیری خانوادگی، به‌دوش گرفتن مسئولیت بیش از حد به‌سبب عدم همکاری دیگر اعضا، حسادت همکاران متأهل به دلیل کار و تلاش بیشتر، عدم رعایت حریم خصوصی از سوی همکاران، داشتن مزاحمت از سوی همکاران مرد
				امتناع افراد مجرد از بازگشت به زندگی مشترک با والدین، تردید بیشتر دختران مجرد به ازدواج نسبت به والدین، بیشتر بودن جمعیت ازدواج نکرده‌ها در روستا نسبت به شهر
افزایش میزان طلاق، افزایش گسست روابط زناشویی، بالا بودن میزان طلاق در سال اول زندگی، بالا بودن میزان طلاق در شهرها در مقایسه با روستاها	افزایش طلاق و انواع آن	قطع رابطه همسران	افزایش میزان طلاق، افزایش گسست روابط زناشویی، بالا بودن میزان طلاق در سال اول زندگی، بالا بودن میزان طلاق در شهرها در مقایسه با روستاها	افزایش تدریجی طلاق توافقی (رشد ۶/۶۲ درصد در یک‌سال)، افزایش روند طلاق‌های عاطفی
				افزایش میزان برون‌همسرگزینی، تمایل به برون همسرگزینی از شبکه خویشاوندی و آشنایان، گرایش بیشتر جوانان به برون همسرگزینی، کاهش اهمیت درون همسرگزینی در میان شهرنشینان و روستاییان
شکل‌گیری ازدواج سفید، افزایش زندگی‌های بدون ازدواج رسمی	وجود و افزایش ازدواج سفید	الگوی رفتاری جوانان دانشجوی و رواج آن	وجود و افزایش روابط جنسی بدون ازدواج رسمی	بهره‌مندی از مزایای جنسی بدون مسئولیت‌های روابط زناشویی، روابط جنسی خارج از ازدواج، افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج
				ترویج روابط آزاد دو جنس در فضاهای شهری، پذیرش روابط میان دختر و پسر به‌صورت غیررسمی، داشتن روابط خارج از چارچوب ازدواج رسمی با رشد کمی دانشگاه‌ها
				وجود روابط میان دختر و پسر بدون ازدواج

مقوله عمده تعاملات سرد در خانواده (خشونت)

خشونت از جمله همسرآزاری و کودک‌آزاری جلوه‌ای از تعاملات سرد در خانواده است. در ادامه مختصراً به خشونت در خانواده اشاره شده‌است:

همسرآزاری

شیوع همسرآزاری زیاد است به‌طوری که طبق گزارش وامقی (۱۳۹۰) شیوع آزار در تحقیقات سیف‌ریبیعی و دیگران (۱۳۸۱)، موسوی و اسحاقیان (۱۳۸۳)، احمدی و دیگران (۱۳۸۵)، بلالی میبدی و حسنی (۱۳۸۸) ۳۵/۷ تا ۴۶ درصد و در تحقیقات شمس‌آباد و امامی‌پور (۱۳۸۲)، قاضی طباطبایی (۱۳۸۳)، قهاری و دیگران (۱۳۸۴)، جوکار و دیگران (۱۳۸۴)، نریمانی و آقامحمدیان (۱۳۸۴) ۶۲ تا ۹۳/۶ درصد اعلام شده است. همچنین طبق گزارش قاضی

طباطبایی (۱۳۸۳، در مراکز ۲۸ استان) ۶۶ درصد پاسخگویان حداقل یک بار تجربه خشونت در خانواده را در طول عمر داشته‌اند. در گزارش ملی مجیدزاده (۱۳۸۹) ۵۲/۷ درصد کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از اول زندگی مشترک، قربانی «خشونت کلامی و روانی»، ۳۷/۸ درصد قربانی «خشونت فیزیکی» و ۲۷/۷ درصد قربانی خشونت‌های «ممانعت از رشد اجتماعی و فکری و آموزشی» بوده‌اند (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۵).

کودک‌آزاری

طبق تحقیقات (بهشتی‌پور، بی‌تا؛ شهنی‌بیلاق و دیگران، ۱۳۸۶؛ قاسم‌زاده، ۱۳۹۰) میزان کودک‌آزاری در خانواده بین ۲۰ تا ۳۴ درصد گزارش شده‌است. (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۶) باتوجه به مقاله وامقی (۱۳۹۰)، از میان انواع خشونت به کودکان در خانواده، در برخی از مطالعات (زمانی‌فرد، ۱۳۸۴؛ محمدخانی، ۱۳۸۰؛ دستجردی، ۱۳۸۴)، خشونت جسمی و در تعدادی دیگر (زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۵؛ میری و دیگران، ۱۳۸۴؛ شهنی‌بیلاق و دیگران، ۱۳۸۴؛ نامداری، ۱۳۸۲)، خشونت روانی بالاترین شیوع را داشته است. همچنین طبق تحقیق بهشتی، ۸۰ درصد از کودک‌آزاران از نزدیکان کودکان هستند (همان، ۵۶). بررسی وامقی (۱۳۹۰) نشان داده‌است که آزار جسمی کودکان از ۱۷/۵ درصد در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان تهران تا ۵۸/۲ درصد در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی خرم‌آباد متغیر بوده‌است. همچنین آزارها عمدتاً از سوی پدر و سپس از سوی مادر و نهایتاً برادران اعمال شده‌اند (عبدی، ۱۳۹۵: ۲۴۱).

مقوله عمده قطع رابطه همسران

افزایش میزان طلاق و انواع آن

طلاق انحلال قانونی پیوند ازدواج است (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳) و تعاملات سرد و ناسازگاری زوجین، تصمیم به جدایی و قطع تعاملات را تسهیل می‌کند. در مقالات مرور شده، میزان بالای طلاق و افزایش آن گزارش شده‌است. برای نمونه اعتمادی‌فرد افزایش طلاق در دهه گذشته را گزارش کرده‌است: «نسبت طلاق به ازدواج نیز گرچه تغییرات منظمی نداشته، در یک دهه گذشته، دائماً فزونی یافته، به نحوی که نسبت به وضعیت طلاق در یک دهه قبل‌تر، دو برابر افزایش یافته است». (اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۶۰)

در این مقالات، علاوه بر ادعای نویسندگان مبنی بر افزایش طلاق در ایران، ارجاع به دیگر نویسندگان و سازمان‌های معتبر، اهمیت موضوع و البته توافق بر میزان زیاد طلاق و افزایش آن را نشان می‌دهد. بانکی‌پور (۱۳۹۱)، قاضی طباطبایی و علی‌مندگاری (۱۳۹۱)، یزدخواستی و

معمار (۱۳۹۰)، سازمان ثبت احوال، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه به نقل از منابع آماری وزارت کشور و شورای عالی انقلاب فرهنگی، افزایش طلاق در ایران را در این مقالات گزارش کرده‌اند.

جواهری و هلالی ستوده به نقل از قاضی طباطبایی و علی مندگاری (۱۳۹۱) آورده‌اند که: نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور طی دوره پانزده ساله ۱۳۷۵-۱۳۹۰ بیش از دو برابر افزایش یافت و از هشت طلاق در هر صد ازدواج در سال ۱۳۷۵ به رقم شانزده در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (جواهری و هلالی ستوده، ۱۳۹۵: ۱۹۱).

وضعیت تعاملات و عواطف مثبت در جامعه ایران

در سه مقاله (مقالات شماره ۱ و ۸ و ۱۰)، گزارش‌هایی از وضعیت تعاملات و روابط اجتماعی وجود داشته‌است. کدهای اولیه به دست آمده از مرور این مقالات ۴۴ مورد هستند که در یک دسته‌بندی در هفت مفهوم قرار گرفته‌اند و در مفهوم‌سازی انتزاعی‌تر، در هشت دسته کلی‌تر طبقه‌بندی شده‌اند و در نهایت تحت یک مقوله نهایی قرار گرفته‌اند. این مقولات در جدول ۳ ارائه شده‌است.

جدول ۳. وضعیت تعاملات و عواطف مثبت در ایران

مقوله نهایی	مقوله اصلی	مفهوم استخراج شده و مقوله فرعی		
ضعف تعاملات و عواطف مثبت	مضایقه از تعاملات	مضایقه از تعاملات	مشارکت‌گریز، امتناع از مشارکت	
		قطع تعاملات	سازمان‌شکنی مفرط (افراطی)	
	ضعف تعاملات	ضعف در انجام فعالیت‌های داوطلبانه، ضعیف بودن همکاری با سازمان‌های مدنی، پایین بودن فراوانی روابط در شبکه دوستی، پایین بودن رفتارهای همیارانه، پایین بودن میزان مشارکت، ضعف کارهای تیمی، ضعف همکاری علمی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های جمعی		
	کم‌دامتگی تعاملات	داشتن همکاری کم‌دامنه، محدود بودن دامنه مشارکت، کم‌شدن میانگین اعلام آمادگی برای رفع مشکلات از خانواده تا دیگران دور		
	مقطعی بودن تعاملات	داشتن همکاری مقطعی، عدم استمرار فعالیت‌های جمعی، داشتن همکاری لحظه‌ای، داشتن همکاری موردی، مقطعی بودن بیشتر فعالیت‌ها		
	فروپاشی همکاری	فروپاشی همکاری در سازمان‌های مشارکتی	تغییر کارکرد برخی از سازمان‌های مشارکتی، منحل شدن برخی سازمان‌های مشارکتی	
	ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد	ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد	منحل شدن برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد در طی سال‌ها، ضعف انجمن‌های مدنی غیردولتی، نحیف بودن نهاد‌های مدنی اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، بی‌تشکیلی	
		مردم‌نهاد	عوامل مؤثر در ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد	ضعف سرمایه اجتماعی، ضعف مشارکت اجتماعی، ضعف اعتماد اجتماعی و سیاسی، ضعف انسجام اجتماعی، ضعف هویت شهروندی
	ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی	ضعف تعلق اجتماعی مردم به جامعه، پایین بودن اندازه تعمیم عاطفی، عام‌گرایانه نبودن مهرورزی و همبستگی، محدود بودن دامنه عواطف در ایران		

مقوله عمده مضایقه از تعاملات

مضایقه و قطع تعامل، به طور فراگیر در جامعه ایران رؤیت می‌شود: فقدان یا کمبود «دیگران» قابل تعامل و همچنین فرار از یکدیگر برای جلوگیری از ایجاد تعامل جدید در زندگی روزمره و قطع تعاملات. پیران این معضل را با اصطلاح «سازمان‌شکنی مفرط» بیان کرده‌است. بدین معنا که اشخاص به طور افراط‌گونه تمایل به قطع تعاملات در عرصه‌های مختلف دارند: «سازمان‌شکنی مفرط به خودمحوری و انجام فردی امور منجر می‌شود و ترجیح اکثریت است» (فرهادی و باقری، ۱۳۹۵: ۱۷۲).

مقوله عمده ضعف تعاملات

«ضعف در انجام فعالیت‌های داوطلبانه»، «ضعیف بودن همکاری با سازمان‌های مدنی»، «پایین بودن فراوانی روابط در شبکه دوستی»، «پایین بودن رفتارهای همیارانه»، «پایین بودن میزان مشارکت»، «ضعف کارهای تیمی»، «ضعف همکاری علمی»، «کاهش سرمایه‌گذاری‌های جمعی» از مقولات استخراج‌شده‌اند که حاکی از ضعف تعاملات اجتماعی هستند. زندگی اجتماعی توأم با تعامل است و مجموعه تعاملات، زندگی اجتماعی را می‌سازد. ساخته‌های اجتماعی یعنی ساختارهای عینی و ذهنی جمعی، محصول ساختن جمعی یعنی محصول عمل همگان هستند و این یعنی زندگی اجتماعی از عمل و تعاملات اجتماعی و آثار آنها متشکل است. پس ضعف تعاملات، منجر به ضعف زندگی اجتماعی خواهد شد. منظور از ضعف تعامل، هم کاهش «رابطه‌های اجتماعی» و هم کاهش «تعاملات در بستر روابط اجتماعی موجود» است (صدیق اورعی و طلوع برکاتی، ۱۳۹۵: ۹۳).

در تحقیق یوسفی (۱۳۸۵) آمده:

«...در بُعد انسجام رابطه‌ای، فراوانی روابط در شبکه دوستی ایرانیان کمتر از حد متوسط (۴۶) است» (خانیک، ۱۳۹۵: ۷۵۱).

در پژوهش جوادی‌یگانه (۱۳۸۳) نیز «میزان رفتارهای همیارانه در تهران» پایین (قنبری برزیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲۵) گزارش شده که شاهدی برای ضعف تعاملات است. همچنین در باب ضعف همکاری و مشارکت آمده:

«موج سوم در طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال ۱۳۸۳ تمایل شهروندان ایرانی در مناطق شهری و روستایی به عضویت در ده گروه از انجمن‌ها و گروه‌ها... را سنجیده است. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که هنوز مشارکت اجتماعی جایگاه مناسبی در رفتارهای فردی ایرانیان ندارد» (خانیک، ۱۳۹۵: ۷۴۰).

مقوله عمده کم‌دامنگی تعاملات

این مقوله از انتزاع «داشتن همکاری کم‌دامنه»، «محدودبودن دامنه مشارکت»، «کم‌شدن میانگین اعلام آمادگی برای رفع مشکلات از خانواده تا دیگران دور» حاصل شده‌است. در نتایج نظرسنجی ایسپا (۱۳۹۳) می‌خوانیم:

«اگرچه حدود ۸۴ درصد مردم اعلام کرده‌اند در صورت بروز مشکل برای خانواده‌شان به میزان زیاد و خیلی زیاد به آنها کمک می‌کنند، این میزان برای فامیل و خویشاوندان حدود ۶۰ درصد بوده است و فقط ۲۶ درصد مردم گفته‌اند اگر مشکل حادی برای مردم ایران پیش بیاید به میزان زیاد و خیلی زیاد کمک می‌کنند» (قنبری برزیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۴۷).

میزانی از کاهش گرایش به تعامل با افزایش فاصله اجتماعی (از نزدیکان به غریبه‌ها) طبیعی است. اما آنچه به‌عنوان یک مشکل وجود دارد، محدودبودن دایره متعاملین و عدم‌تعامل با غریبه‌ها در جامعه ایران است.

مقوله عمده مقطعی بودن تعاملات

مؤلفه‌های این مقوله «داشتن همکاری مقطعی»، «عدم استمرار فعالیت‌های جمعی»، «داشتن همکاری لحظه‌ای»، «داشتن همکاری موردی»، «مقطعی بودن بیشتر فعالیت‌ها» است.

تعامل یک‌باره، لحظه‌ای و مقطعی، مستمر نیست و پیامدهای مفید و مثبت تعامل مستمر را ندارد. تعامل مقطعی، یک‌بار اتفاق می‌افتد و اگر هزاران بار رخ دهد، گروه و سازمان اجتماعی، اجتماع و جامعه ایجاد نمی‌شود. استمرار تعاملات، همبستگی و تعلق ایجاد می‌کند. استمرار یافتن عمل به توافقات، تعهد اجتماعی می‌آفریند و تکرار و استمرار تعهد، اعتماد اجتماعی خلق می‌کند. اما آنچه در پژوهش پیران (۱۳۸۹) از وضعیت موجود ایران گزارش شده‌است «امتناع از مشارکت، همکاری مقطعی، موردی، کم‌دامنه و اجباری‌بودن همکاری‌های کاری و لحظه‌ای» است (فرهادی و باقری، ۱۳۹۵: ۱۷۲). همچنین در جای دیگر وضعیت تعاملات سیاسی، به عنوان یک رفتار سطحی و مقطعی گزارش شده است.

«در چنین جامعه‌ای، مردم اساساً حوصله فعالیت سیاسی سازمان‌یافته را ندارند و حاضر به صرف زمان مستمر برای چنین فعالیت‌هایی نیستند. به‌همین دلیل فعالیت‌ها بیشتر مقطعی است» (خانیک، ۱۳۹۵: ۷۶۰).

مقوله عمده فروپاشی همکاری

در موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۸۳) تمایل شهروندان ایرانی به عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها سنجیده شده‌است. حجم همکاری گزارش‌شده، نشان از ضعف همکاری در این انجمن‌ها و اصناف است.

همچنین بسیاری از سازمان‌های با ماهیت مشارکتی (مثل شرکت‌های تعاونی) منحل شده‌اند یا تغییر کارکرد داده‌اند. براساس اطلاعات اداره کل تعاون خراسان رضوی در سال ۱۳۸۷، از کل ۱۳۲۸ تعاونی استان، اعضای ۴۵۸ تعاونی ۶ نفر و کمترند. خانیکی وضعیت این سازمان‌ها را بدین‌گونه بیان می‌کند:

«برخی نهادها مثل پیشاهنگی منحل شده‌اند و برخی نهادهای دیگر مانند شرکت‌های تعاونی که در سال ۱۳۵۳ در مناطق روستایی معنای مشارکتی داشت، در سال ۱۳۸۳ تغییر کارکرد داده و به‌منزله یک بنگاه توزیع‌کننده عمل می‌کرده‌است، لذا عضویت در آن دلالت ناچیزی بر مشارکت اجتماعی دارد» (خانیکی، ۱۳۹۵: ۷۴۰).

مقوله عمده ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد

«منحل شدن برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد طی سال‌ها»، «ضعف انجمن‌های مدنی غیردولتی»، «نحیف‌بودن نهادهای مدنی اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی»، «بی‌تشکلی» مؤلفه‌های مستخرج این مقوله هستند.

مهم‌ترین ویژگی سمن‌ها، همکاری و مشارکت است. عضویت در این سازمان‌ها، داوطلبانه است؛ بدین‌معنا که عضویت و تمایل به همکاری در آنها اختیاری است (مقایسه شود با فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸).

طبق گزارش خانیکی (۱۳۹۵) این‌گونه سازمان‌ها در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. در همین مقاله همچنین می‌خوانیم: آزاد ارمکی (۱۳۷۹) و علیخواه (۱۳۸۲) به ضعف انجمن‌های مدنی غیردولتی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه اشاره کرده‌اند. ضعیف‌شدن چنین سازمان‌هایی، نشان از ضعف همکاری‌های اختیاری و داوطلبانه است. به گزارش پیران (۱۳۸۹) همکاری‌ها، به‌ویژه همکاری‌های کاری، اجباری شده‌است و اشخاص، تمایل به همکاری و مشارکت با سمن‌ها ندارند.

«تصویر کلی جامعه امروز ایران بر پایه مؤلفه‌های مدنی ... نحیف‌بودن «نهادهای مدنی» را اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهد» (خانیکی، ۱۳۹۵: ۷۶۰).

مقوله عمده ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی

احساس تعلق و عواطف مثبت، پیونددهنده اعضای یک گروه اجتماعی و از آثار تعاملات گرم است. پس ضعف تعلق اجتماعی حاکی از ضعف تعاملات به‌ویژه تعاملات گرم در جامعه است. البته یافتن جامعه‌ای که به‌طور کامل اعضای آن با هم توافق، همبستگی و همگرایی داشته باشند، مشکل است و «مشکل است جامعه‌ای را تصور کنیم که در آن هیچ تعارضی یا هیچ

وفاقی وجود نداشته باشد» (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۷۶۷). پس منظور از بین رفتن کامل تعلق در جامعه ایران نیست؛ بلکه ضعیف شدن آن و متمایل شدن مردم به واگرایی مدنظر است. از مؤلفه‌های «ضعف تعلق اجتماعی مردم به جامعه»، «پایین بودن اندازه تعمیم عاطفی»، «عام‌گرایانه نبودن مهرورزی و همبستگی» و «محدود بودن دامنه عواطف در ایران» ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی انتزاع شده است.

در پژوهش ملی یوسفی (۱۳۸۵) اندازه منابع عاطفی ۴۶ درصد و تعمیم عاطفی ۷ درصد است. «پایین بودن اندازه تعمیم عاطفی (۷ از ۱۰۰) نشان‌دهنده آن است... مهرورزی خصلتی خاص گرایانه دارد نه عام‌گرایانه. محدود بودن دامنه عواطف در ایران محدودیت مهم اجتماعی برای گسترش روابط با دیگران محسوب می‌شود» (خانیکی، ۱۳۹۵: ۷۵۱). همچنین بیدل و محمودزاده (۱۳۹۱) در بررسی خود، از ضعف تعلق اجتماعی در بین مردم گزارش داده‌اند و ضعف همبستگی و تعلق را از آثار فردگرایی خودخواهانه می‌دانند (قنبری برزیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲۵).

مقوله نهایی تعاملات و عواطف مثبت در جامعه ایران

در موضوع «وضعیت تعاملات»، مفهومی که به کوتاه‌ترین وجه نمایانگر واقعیت جامعه ما براساس گزارش‌های مرور شده است، مفهوم «ضعف تعاملات و عاطفه مثبت» است. پژوهش‌هایی که در مقالات کتاب وضعیت اجتماعی کشور در موضوع بخش حاضر مورداستناد قرار گرفته‌اند، در مجموع چهارده مورد هستند که حاکی از توجه محققان به وجود ضعف تعاملات و عاطفه مثبت است.

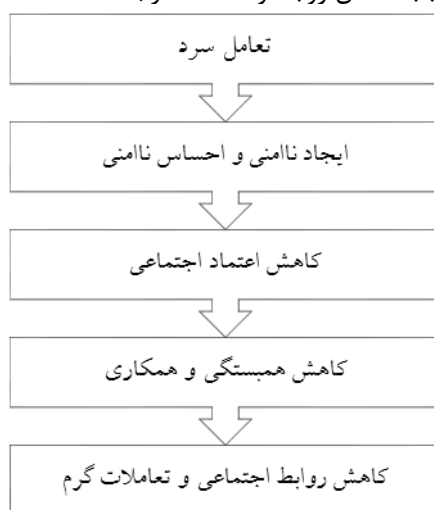
«مضایقه از تعاملات»، «ضعف تعاملات»، «کم‌دامنگی تعاملات»، «مقطعی بودن تعاملات»، «عوامل تضعیف‌کننده تعاملات»، «فروپاشی همکاری»، «ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد» و «ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی» همگی نشان‌دهنده وضعیت نامناسب تعاملات است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تعامل اجتماعی لازمه رفع نیازهای انسان و پایه‌ای‌ترین و فراگیرترین عنصر زندگی اجتماعی است و سایر واقعیت‌های اجتماعی محصول آن است. تعاملات مستمر، لازمه شکل‌گیری جامعه و تعاملات توأم با عواطف مثبت، لازمه سلامت جامعه است و مشکلات تعاملی، عامل بنیادین انواع عدم تعادل‌های اجتماعی است.

در نوشتار حاضر، وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران گزارش شده است. برای این کار کتاب «مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور» به‌طور نظام‌مند کدگذاری شد. آنچه سبب اعتبار یافته‌های نوشتار حاضر می‌شود و به تأیید مسئله‌بودگی موضوع مقاله حاضر منجر

می‌گردد، این است که: شواهدی فراوان از مقالات صاحب‌نظرانی سرشناس، گردآوری و عرضه شده‌است. این شواهد، گزارش مشاهدات و واقعیت‌هاست که در قالب پیمایش و مصاحبه‌های کیفی عمیق و فراوان فراهم شده‌اند. در نتیجه یک‌بار به تأیید محققان گزارشگر رسیده است و بار دیگر در مقالات نگارش شده در کتاب وضعیت اجتماعی کشور، به تأیید محققان و نویسندگان مقالات این کتاب رسیده‌است. افزون بر این، منبع مورد استفاده در عین دار بودن اعتبار علمی، سند رسمی است که توسط سازمان متولی امر اجتماعی (شورای اجتماعی کشور) تهیه شده است. یافته‌های نوشتار حاضر اولاً حاکی از «وجود و افزایش فردگرایی خودخواهانه»، «وجود تعاملات غیراخلاقی»، «وجود و افزایش تعاملات مجرمانه» و «وجود و افزایش فساد اداری» است. اغلب یافته‌های موجود در کتاب وضعیت اجتماعی کشور، حاکی از وجود تعاملات منفعت‌طلبانه در جامعه ایران است؛ یعنی اصل تعامل از مطلوبیت برخوردار نیست و مطلوبیت تعامل برای شخص، نفعی است که برای او از یک تعامل حاصل می‌شود. در جامعه فردگرا، آثار تعاملات به خصوص تعاملات گرم بروز نمی‌یابد و تعاملات سرد در آن تسلط دارد. تعاملاتی غیراخلاقی که از مقالات استخراج شده‌اند، جملگی شاهی بر رواج تعاملات سرد در جامعه ایران است. افزون بر تعاملات غیراخلاقی، تعاملات سرد مجرمانه نیز از شیوع بسیاری برخوردار است. تعاملات سرد، سبب ایجاد ناامنی و احساس ناامنی می‌شود. ناامنی به طور گسترده، اعتماد اجتماعی را به ویژه به غریبه‌ها کاهش می‌دهد. با کاهش اعتماد، همبستگی و همکاری کاهش می‌یابد. کاهش این دو، سبب کاهش روابط و تعاملات از جمله تعاملات گرم می‌شود.



شکل ۴. آثار اجتماعی منفی تعامل سرد

زندگی اجتماعی، توأم با تعاملات است و تعاملات، زندگی اجتماعی را می‌سازد. ساخته‌های اجتماعی یعنی ساختارهای عینی و ذهنی جمعی، محصول ساختن جمعی یعنی محصول عمل همگان هستند و این یعنی زندگی اجتماعی از عمل و تعاملات اجتماعی و آثار آنها متشکل است. «مضایقه از تعاملات»، «ضعف تعاملات»، «کم‌دامنگی تعاملات»، «مقطعی بودن تعاملات»، «فروپاشی همکاری»، «ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد» و «ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی» بخش دیگری از یافته‌هاست که به‌طور کلی «ضعف تعاملات و عواطف مثبت» را بیان می‌کند. مضایقه و قطع تعامل، امری است که به‌طور فراگیر در جامعه ایران رؤیت می‌شود. مشاهده می‌شود که اشخاص یا «دیگران» قابل تعامل ندارند و یا اشخاص معدودی برای تعامل مستمر دارند و گزارش‌های بسیاری درباره بیگانگی و تنهایی و انزوای اجتماعی منتشر شده‌است. همچنین فقدان و کمبود یاری‌دهندگان و عدم شیوع ایثار، بخشش و دگرخواهی امری قابل کتمان نیست. افزون بر این فرار از یکدیگر برای جلوگیری از ایجاد تعامل جدید، در زندگی روزمره و قطع تعاملات، در روابط همسایگی گرفته تا روابط خویشاوندی قابل مشاهده است و ترجیح تجرد از بیم صدمات ناشی از تعاملات سرد همسری، یکی از مصادیق این موضوع است. از دیگر مشکلات تعاملات ایرانیان، مقطعی بودن آن است. تعامل مقطعی، یک‌بار اتفاق می‌افتد و اگر هزاران بار رخ دهد، گروه و سازمان اجتماعی، اجتماع و جامعه ایجاد نمی‌شود. استمرار تعامل، همبستگی و تعلق ایجاد می‌کند. عمل به توافقات، تعهد اجتماعی می‌آفریند و تکرار و تداوم تعهد، اعتماد اجتماعی خلق می‌کند. ضعف تعاملات، موجب کاهش «رابطه‌های اجتماعی» و «تعامل در بستر روابط اجتماعی موجود» است.

بخشی از یافته‌های این مقاله، گزارشی از انواع مشکلات تعاملی استخراج‌شده در خانواده ایرانی است.

در مجموع، یافته‌ها را می‌توان در عبارت «ضعف تعاملات و عواطف مثبت و افزایش تعاملات سرد در ایران» خلاصه کرد. نتیجه ضعف تعاملات و گسترش تعاملات سرد، انزوا و بیگانگی، بی‌کسی، واگرایی اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه و از بین رفتن امکان شکل‌گیری توافقات فراگیر و ساخته‌نشدن ذهنیت و عواطف مشترک (فرهنگ) و در نتیجه نقص فرهنگی است. چنین جامعه‌ای قادر به تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی لازم نخواهد بود. این مشکل همه ساحت‌های زندگی مردم ایران را به‌طور گسترده و عمیق، تحت تأثیر قرار داده است و به نظر می‌رسد، اساس دیگر مسائل اجتماعی و حتی ریشه قطعی بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی جامعه ایران است. برای نمونه فقدان و کمبود تعاملات مشارکتی، یا فقدان توافق بر وضع مطلوب-به‌عنوان حاصل عدم تعاملات پیوسته و منجر به وفاق- موانع بزرگی در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه است.

لازم به تذکر است که تعاملات در جامعه طبیعی، نسبتاً مستمر است و یافتن جامعه‌ای با تعاملات کاملاً مستمر - بدون هیچ‌گونه گسست - ممکن نیست؛ همان‌گونه که جامعه‌ای با تعاملات کاملاً مقطعی، جامعه نیست. همان‌گونه که باهم‌نگری یافته‌های تحقیقات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد، جامعه ایران از ضعف شدید تعاملات اجتماعی و آثار مخرب گسترده و عمیق آن رنج می‌برد؛ اما این همه، به معنای فقدان مطلق تعاملات نیست. همچنین «مشکل است جامعه‌ای را تصور کنیم که در آن هیچ تعارضی یا هیچ وفاقی وجود نداشته باشد» (بودون و بوریگو، ۱۳۸۵: ۲۸). منظور، از بین رفتن کامل تعلقات و عواطف مثبت در جامعه ایران نیست؛ بلکه ضعیف شدن آن و متمایل شدن مردم به واگرایی مدنظر است. تشکیل تجمعات مردم در مناسبت‌ها و در ساحت‌های مختلف و رفتارهای جمعی، در مقاطعی رخ می‌دهد اما حال دائمی مردم، گرایش به تعامل، اتصال و ارتباط نیست و تعاملات، عمدتاً دارای مطلوبیتِ عرضی و بر محور منافع فردی است.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی، ابراهیم صالحی عمران و ملیحه حسین‌زاده (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی دانشجویان در دانشگاه‌های غیرانتفاعی»، *انجمن آموزش عالی ایران*، دوره سوم، شماره ۳: ۳۹-۶۶.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵) *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اعتمادی‌فرد، مهدی (۱۳۹۵) «تحولات خانواده، طلاق و ازدواج»، *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه*، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۲۹-۱۶۹.
- ایمان، محمدتقی و محمدرضا نوشادی (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش*، سال سوم، شماره ۲: ۱۵-۴۴.
- آگبرن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم کوف (۱۳۵۳) *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- بخشی، حامد (۱۳۹۲) *نظرسنجی عمومی در مورد حفظ و تقویت روحیه ایثارگری و ارائه راهکار جهت ترویج روحیه ایثارگری*، گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده).
- بودون، ریمون و فرانسوا بوریگو (۱۳۸۵) *فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- بوردیو، پیتیر (۱۳۸۹) «شکل‌های سرمایه»، *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*، کیان تاج‌بخش، تهران: شیرازه، ۱۳۱-۱۶۵.

ترنر، جاناتان اچ (۱۳۷۳) *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نوید شیراز.

توحیدلو، سمیه (۱۳۹۵) «تنبلی اجتماعی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۱۳-۲۶۰.

توسلی، غلامعباس و علی غبائی ندوشن (۱۳۹۰) «عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه اخیر مورد مطالعه استان یزد سال‌های ۸۰ - ۸۶»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۴: ۳۵-۴۹.

جواهری، فاطمه و مینا هلالی ستوده (۱۳۹۵) «تمایل به زندگی مجردی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۱۰-۱۷۱.

چلبی، مسعود (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.

خانیک، هادی (۱۳۹۵) «ضعف جامعه مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد (تحول تاریخی، مسائل کنونی و چشم‌اندازی برای آینده»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۷۱۷-۷۶۴.

دانایی‌سیج، مجید، محمد مظلوم خراسانی و محسن نوغانی (۱۳۹۵) «بررسی تأثیر برنامه‌های سوم و چهارم توسعه ایران بر وقوع سرقت به‌عنوان کج‌روی اجتماعی (مورد: استان خراسان رضوی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹)»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۶: ۴۳-۶۷.

دوورژه، موریس (۱۳۶۲) *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران: امیرکبیر.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸) *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

روشه، گی (۱۳۹۱) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نی.

شارع‌پور، محمود، سجاد فتاحی، نسترن زنجان رفیعی و فاطمه رفیعی آتانی (۱۳۹۵) «ضعف جامعه‌پذیری با تأکید بر دوران کودکی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۴۱-۹۷.

شهبابی، محمود (۱۳۹۵) «علل و آثار فساد سیاسی و اداری (از توصیف و تبیین وضع موجود تا ترسیم وضع مطلوب)»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و

- محمد رضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۴۹۳-۵۲۷.
- صدیق اورعی، غلامرضا و محمدصادق طلوع برکاتی (۱۳۹۵) «ضعف تعاملات اجتماعی گرم»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمد رضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۶۳-۱۱۰.
- صدیق اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری و شیوا محمدی (۱۳۹۸) *مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق اورعی، غلامرضا و احمد فرزانه (۱۳۹۵) «بی‌کسی ایرانیان»، جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران، ریحانه جوادی یگانه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، شورای اجتماعی کشور، ۹۷-۱۰۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹) *روابط اجتماعی در اسلام*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- عبدی، عباس (۱۳۹۵) «منازعات فردی و جمعی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمد رضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۳۳-۲۶۶.
- غفاری، غلامرضا و محمد رضا جوادی یگانه (۱۳۹۳) *گزارش وضعیت اجتماعی کشور؛ کتاب چکیده‌ها*، تهران: شورای اجتماعی کشور.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۸) *اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد*، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- فرهادی، مرتضی و یاسر باقری (۱۳۹۵) «همکاری و مشارکت»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمد رضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۶۷-۲۰۹.
- قنبری برزیان، علی، حسین میرزایی و رضا همتی (۱۳۹۵) «سیمای فردگرایی خودخواهانه (با تأکید بر پژوهش‌ها و پیمایش‌های داخلی ۱۳۹۲-۱۳۷۰)»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمد رضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۳۲۳-۳۶۲.
- کلانتری، عبدالحسین، پیام روشنفکر و جلوه جواهری (۱۳۹۰) «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره چهاردهم، شماره ۵۳: ۱۲۹-۱۶۲.
- کلمن، جیمز (۱۳۹۰) *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

کوزر، لوئیس آلفرد و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.

گیدنز، آنتونی و فیلیپ ساتن (۱۳۹۵) *جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نی.
میرفردی، اصغر و آسیه صادق‌نیا (۱۳۹۱) «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد»، *پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، دوره چهارم، شماره ۲: ۷۳-۴۱.

یوسفی، علی و حسین اکبری (۱۳۹۵) «منازعات فردی و جمعی»، *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه*، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۳۸۷-۳۲۱.
یوسفی، علی، محسن نوغانی و مهلا حجازی (۱۳۸۸) «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۱: ۱۳۸-۱۶۱.

Hsieh, Hsiu Fang & Sarah Shannon (2005) Three Approaches to Qualitative Content Analysis, *QUALITATIVE HEALTH RESEARCH*, Volume 15, No 9: 1277-1288.

Mayring, Philipp (2000) "Qualitative Content Analysis", *FORUM: QUALITATIVE SOCIAL RESEARCH*, Volume 1, No 2

The World Bank (2018) "Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank", yon.ir/oxhVc

Transparency International (2017) "CORRUPTION PERCEPTIONS INDEX ۲۰۱۷", *Transparency International & yon.ir/O7Oey*.